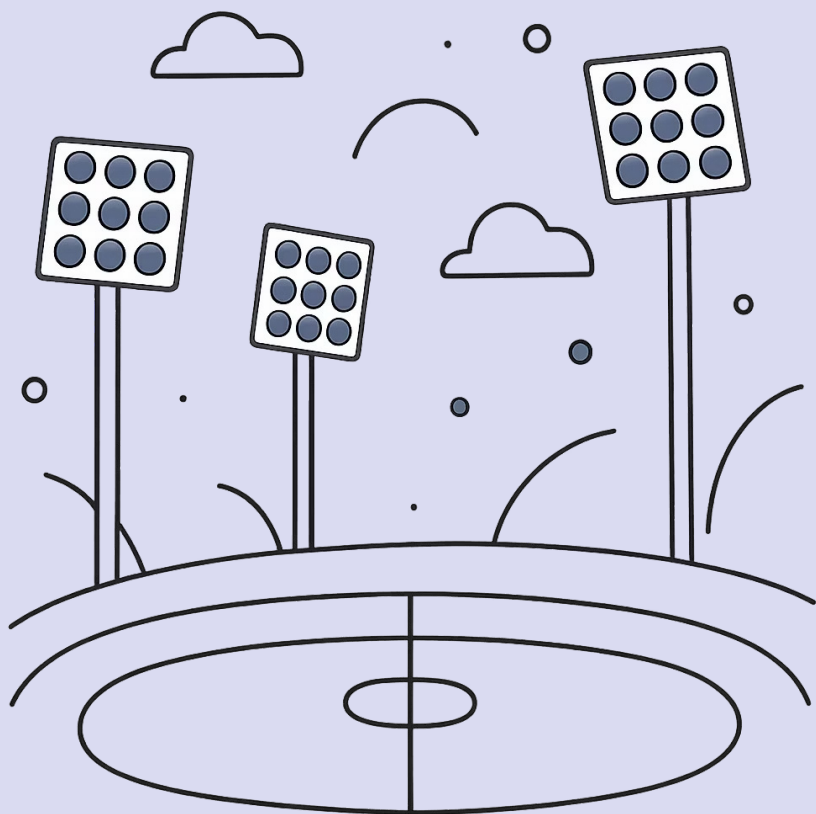




قدرت و ایدئولوژی در ورزش

تحلیل انتقادی در جامعه‌شناسی ورزش

دکتر امیر حسین مهرصفر (استادیار دانشگاه سمنان)

مقدمه: ورزش به عنوان میدان قدرت

در نگاه نخست، ورزش ممکن است فعالیت بی طرف، سرگرم کننده و مبتنی بر رقابت منصفانه به نظر برسد. بسیاری از افراد تصور می کنند ورزش فضایی است که در آن «بهترین» بر اساس شایستگی پیروز می شود و قواعد بازی برای همه یکسان است. اما جامعه شناسی ورزش این تصور را به چالش می کشد و نشان می دهد که ورزش نه تنها از قدرت جدا نیست، بلکه یکی از مهم ترین میدان های است که در آن قدرت تولید، توزیع و مشروعیت بخشی می شود.

ورزش، مانند هر نهاد اجتماعی دیگر، درون ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد. در این ساختارها، برخی گروه ها دسترسی بیشتری به منابع، رسانه، تصمیم گیری و تعریف معنا دارند.

چه ورزشی مهم است

تعریف اهمیت و ارزش ورزش های مختلف در دست گروه های قدرتمند است

چه کسی دیده می شود

رسانه و منابع تعیین می کنند کدام ورزشکار در معرض دید عموم قرار می گیرد

چه ارزشی «طبیعی» است

برخی ارزش ها به عنوان بدیهی و طبیعی جا می افتند و مورد سؤال قرار نمی گیرند

چه رفتاری مشروع است

مرز مشروع و نامشروع توسط ساختارهای قدرت تعریف می شود

بنابراین، ورزش فقط درباره بدن و رقابت نیست؛ بلکه درباره قدرت بر معنا است. این قدرت همان چیزی است که در جامعه شناسی با مفهوم «ایدئولوژی» پیوند می خورد.

ایدئولوژی چیست و چگونه در ورزش عمل می‌کند؟

ایدئولوژی در ورزش

در ورزش، ایدئولوژی از طریق روایت‌ها، تصاویر، قوانین و فرهنگ روزمره عمل می‌کند. برای مثال:

- این باور که «ورزش همیشه عادلانه است»
- اینکه «موفقیت فقط نتیجه تلاش فردی است»
- اینکه «رقابت شدید همیشه مثبت است»

تعریف ایدئولوژی

ایدئولوژی در ساده‌ترین تعریف، مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و تصورات است که جهان اجتماعی را «طبیعی»، «بدیهی» و «غیرقابل سؤال» نشان می‌دهد. ایدئولوژی‌ها به ما نمی‌گویند که «دروغ چیست»؛ بلکه به ما می‌گویند که «چه چیزی طبیعی است». دقیقاً به همین دلیل، قدرتمند هستند.

پنهان‌سازی نابرابری‌های ساختاری

باورهای ایدئولوژیک می‌توانند نابرابری‌های ریشه‌دار در ساختار اجتماعی را از دید پنهان کنند

نادیده گرفتن اقتصاد و سیاست

نقش عوامل اقتصادی و سیاسی در شکل‌دهی به نتایج ورزشی نادیده گرفته می‌شود

فردی‌سازی موفقیت و شکست

شکست یا موفقیت فقط به فرد نسبت داده می‌شود و عوامل ساختاری نادیده می‌مانند

بنابراین، ایدئولوژی در ورزش به‌گونه‌ای عمل می‌کند که برخی روابط قدرت را «نامرئی» می‌سازد.

هژمونی: وقتی قدرت بدون اجبار عمل می‌کند

برای فهم عمیق‌تر رابطه ورزش و ایدئولوژی، مفهوم «هژمونی» بسیار کلیدی است. هژمونی به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک نظام ارزشی یا فرهنگی، بدون استفاده از زور مستقیم، به‌عنوان «عقل سلیم» پذیرفته می‌شود.



مردانگی خشن

تأکید بر مردانگی خشن در برخی ورزش‌ها به‌عنوان امری طبیعی و مطلوب پذیرفته می‌شود



نابرابری درآمدی

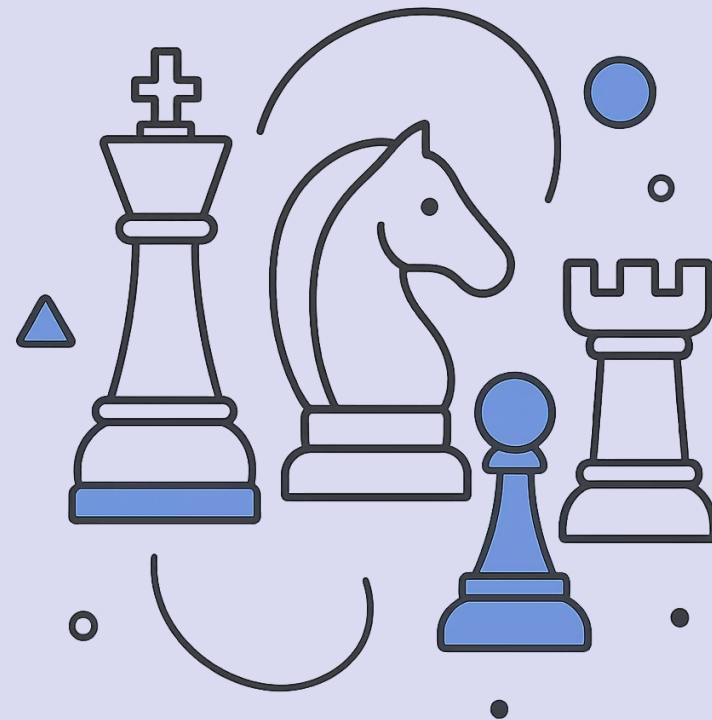
طبیعی‌دانستن نابرابری درآمدی میان ورزشکاران بدون پرسش از ریشه‌های ساختاری آن



پیروزی به هر قیمت

پذیرش فشار شدید برای پیروزی به هر قیمت به‌عنوان هنجار فرهنگی مسلط

در اینجا، قدرت از طریق اجبار اعمال نمی‌شود؛ بلکه از طریق **رضایت فرهنگی** عمل می‌کند. افراد احساس نمی‌کنند که تحت سلطه‌اند، بلکه فکر می‌کنند «این‌گونه باید باشد».



ورزش و بازتولید نابرابری

یکی از مهم‌ترین کارکردهای پنهان ورزش، بازتولید نابرابری‌های اجتماعی است. اگرچه ورزش اغلب به‌عنوان فضایی برای «برابری فرصت‌ها» معرفی می‌شود، اما در عمل دسترسی به امکانات برابر نیست، فرصت‌های حرفه‌ای یکسان نیست و دیده‌شدن در رسانه‌ها نابرابر است.

3	2	1
نژاد و قومیت در برخی موارد، گروه‌های خاصی کلیشه‌ای بازنمایی می‌شوند یا در موقعیت‌های خاصی محدود می‌شوند. این بازنمایی‌های کلیشه‌ای می‌توانند تبعیض را تداوم بخشند.	جنسیت ورزش زنان معمولاً کمتر دیده می‌شود، کمتر حمایت مالی دریافت می‌کند و با محدودیت‌های فرهنگی بیشتری مواجه است. این نابرابری ساختاری اغلب از طریق ایدئولوژی توجیه می‌شود.	طبقه اجتماعی ورزش‌های مختلف به طبقات مختلف اجتماعی پیوند دارند. برخی ورزش‌ها به منابع مالی بالا نیاز دارند و بنابراین در دسترس همه نیستند. این شکاف طبقاتی در ورزش بازتولید می‌شود.



این نابرابری‌ها اغلب از طریق ایدئولوژی پنهان می‌شوند. وقتی موفقیت فقط به «استعداد» یا «تلاش» نسبت داده می‌شود، نقش ساختارهای نابرابر نادیده گرفته می‌شود.

پیامدهای دوگانه

این نوع ایدئولوژی می‌تواند مثبت باشد و همبستگی اجتماعی ایجاد کند، اما می‌تواند به:

- ملی‌گرایی افراطی
 - حذف دیگران
 - تنش سیاسی
- منجر شود.

ابزارهای ایدئولوژی ملی

- پرچم و سرود ملی
- رنگ‌های ملی
- روایت‌های رسانه‌ای
- ساختن «ما» در برابر «دیگران»

سمت مثبت

همبستگی اجتماعی

افتخار ملی

وحدت مردم

سمت منفی

ملی‌گرایی افراطی

حذف دیگران

تنش سیاسی

بدن به عنوان محل اعمال قدرت

یکی از عمیق‌ترین ابعاد قدرت در ورزش، کنترل بدن است. ورزش به افراد می‌آموزد که بدن خود را کنترل کنند، بهبود دهند و مطابق استانداردهای خاصی شکل دهند.

جنبه مثبت

این فرآیند می‌تواند به سلامت و توانمندی منجر شود و بدن را به ابزاری برای رشد فردی تبدیل کند.

جنبه انتقادی

می‌تواند فشار برای رسیدن به بدن ایده‌آل ایجاد کند و بدن را به ابزاری برای عملکرد و نمایش تبدیل کند.



در ورزش حرفه‌ای، بدن ورزشکار به شدت تحت نظارت است:

وزن

کنترل دقیق وزن و ترکیب بدنی

تمرین

برنامه‌های تمرینی تحت نظارت دقیق

عملکرد

سنجش و ارزیابی مستمر عملکرد

سبک زندگی

کنترل تغذیه، خواب و رفتار اجتماعی



این وضعیت نشان می‌دهد که قدرت فقط در سطح سیاسی یا اقتصادی نیست؛ بلکه در سطح بدن و زندگی روزمره نیز عمل می‌کند.

رسانه و تولید ایدئولوژی ورزشی

رسانه‌ها نقش کلیدی در بازتولید ایدئولوژی در ورزش دارند. آن‌ها تعیین می‌کنند چه کسی قهرمان است، چه روایتی از موفقیت ارائه شود و چه ارزش‌هایی برجسته شوند.



تأکید بر فردگرایی

رسانه‌ها موفقیت را به تلاش فردی نسبت می‌دهند و عوامل ساختاری را نادیده می‌گیرند

برجسته‌سازی ستاره‌ها

تمرکز بر چهره‌های خاص و ساختن روایت‌های قهرمانانه از آن‌ها

نمایش رقابت به‌عنوان جنگ

استفاده از زبان نظامی و جنگی برای توصیف رقابت‌های ورزشی

آنچه رسانه پنهان می‌کند

- نابرابری‌های ساختاری
- فساد در ورزش
- فشارهای ساختاری بر ورزشکاران

آنچه رسانه برجسته می‌کند

- قهرمانان و ستاره‌ها
- روایت‌های موفقیت فردی
- رقابت و هیجان

بنابراین، رسانه نه تنها بازتاب‌دهنده ورزش است، بلکه در ساختن معنای آن نقش فعال دارد.

ورزش به عنوان میدان مقاومت

با وجود نقش ورزش در بازتولید قدرت، این میدان همیشه یک طرفه نیست. ورزش می‌تواند به فضایی برای مقاومت نیز تبدیل شود. ورزشکاران، هواداران و گروه‌های اجتماعی می‌توانند هنجارهای مسلط را به چالش بکشند، درباره مسائل اجتماعی صحبت کنند و روایت‌های جدیدی ایجاد کنند.



اعتراض به تبعیض

ورزشکاران می‌توانند از جایگاه خود برای اعتراض به تبعیض‌های نژادی، جنسیتی و طبقاتی استفاده کنند



نقد نابرابری

صدای ورزشکاران در نقد نابرابری‌های ساختاری می‌تواند به تغییر اجتماعی کمک کند



مطالبه حقوق

ورزشکاران و هواداران می‌توانند برای حقوق خود و دیگران مبارزه کنند و روایت‌های جدید بسازند

این نشان می‌دهد که ورزش فقط ابزار سلطه نیست؛ بلکه می‌تواند محل مبارزه بر سر معنا و قدرت نیز باشد.



نمونه‌های ایرانی: قدرت و ایدئولوژی در عمل

در ایران، ورزش نیز مانند سایر جوامع، درون ساختارهای قدرت و ایدئولوژی قرار دارد.

2

ورزش و هویت ملی

تیم ملی فوتبال یا کشتی در لحظات خاص، به نماد هویت ملی تبدیل می‌شوند. این موضوع نشان می‌دهد که ورزش چگونه در خدمت ایدئولوژی ملی قرار می‌گیرد.

1

فوتبال و رسانه

فوتبال به عنوان پرمخاطب‌ترین ورزش، نقش مهمی در شکل‌دهی افکار عمومی دارد. رسانه‌ها می‌توانند برخی تیم‌ها یا بازیکنان را برجسته کنند یا روایت‌های خاصی از موفقیت و شکست بسازند.

3

جنسیت و دسترسی

مسئله حضور زنان در برخی فضاها و ورزشی نشان می‌دهد که بدن، فضا و فرهنگ همگی تحت تأثیر قدرت و ایدئولوژی هستند.



جمع‌بندی

قدرت و ایدئولوژی در ورزش نشان می‌دهد که ورزش یک میدان خنثی نیست؛ بلکه فضایی است که در آن معنا، ارزش و هویت شکل می‌گیرد و روابط قدرت در آن بازتولید یا به چالش کشیده می‌شود.

صداهای تقویت‌شده	صداهای نادیده‌گرفته‌شده	صداهای در حال مبارزه
برخی صداها در میدان ورزش تقویت می‌شوند و بازتاب گسترده‌ای می‌یابند	برخی صداها نادیده گرفته می‌شوند و در حاشیه قرار می‌گیرند	برخی در حال مبارزه برای دیده شدن و به رسمیت شناخته شدن هستند

درک مقاومت
شناسایی شکل‌های مقاومت و
اعتراض در میدان ورزش.

شناخت ایدئولوژی
شناسایی باورها و ارزش‌های
مسلط در ورزش.



تحلیل روابط قدرت
بررسی نهادها و بازیگران قدرت‌ساز
و بازتوزیع توان.



بنابراین، فهم جامعه‌شناختی ورزش بدون تحلیل قدرت و ایدئولوژی ممکن نیست. نگاه انتقادی به ورزش، نگاهی است که پشت پرده رقابت و سرگرمی را می‌بیند و ساختارهای پنهان قدرت را آشکار می‌سازد.